



جریان سازی مذهبی آذربایجان در تحولات سیاسی ایران معاصر

پدیدآورده (ها) : علیانسیب، سیدحسین

تاریخ :: رهیافت انقلاب اسلامی :: تابستان 1397 - شماره 43 (علمی-پژوهشی/ISC)

از 91 تا 110

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1398189>

دانلود شده توسط : سیدحسین علیانسیب

تاریخ دانلود : 13/08/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت

سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۷
صفحه ۹۱ تا ۱۱۰

جریان سازی مذهبی آذربایجان در تحولات سیاسی ایران معاصر

سیدحسین علیاناسب / استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز
olyanasab@tabrizu.ac.ir

چکیده

تاریخ گواهی می‌دهد هیچ منطقه‌ای از ایران به اندازه آذربایجان دست‌خوش حوادث نشده است. آذربایجان مقاطع مهمی از تاریخ معاصر ایران را مرکزیت داشته و با پیشتازی در تحولات سیاسی کشور مسیر تاریخ ایران را تحت تاثیر داشته است. پژوهش حاضر به منظور تبیین عوامل سازنده حضور آذری‌ها و مبارزات آنان، در صدد پاسخ به این سوال است که چه عاملی محرک اصلی مردم آذربایجان برای اقدامات سیاسی و انقلابی بوده است؟ بدین منظور با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره بردن از تاریخ شفاهی و آرشیو مجلات، تحولات اجتماعی بزرگ همانند قیام تنباکو، نهضت مشروطه، مقابله با فرقه دمکرات، قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، دفع غائله خلق مسلمان و حماسه دی ۱۳۸۸ را مطالعه کرده و با ذکر شواهدی به این نتیجه رسیدیم که مهم‌ترین عاملی که در طول یک قرن گذشته آذربایجان را در عرصه سیاسی ایران نگه داشته است انگیزه‌های مذهبی بوده است و در مقابل هر گونه مبارزه یا حرکت سیاسی که در آذربایجان با هر انگیزه دیگری به وجود آمده با مخالفت مردم مواجه شده و به شکست انجامیده است.

کلیدواژه: تحولات سیاسی، تاریخ معاصر، آذربایجان، تبریز، غیرت دینی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۲۹

مقدمه

آذربایجان در طول قرون اخیر نقش مهمی در تحولات سیاسی معاصر ایران داشته است و مردم آذربایجان و به طور مشخص مردم تبریز که بیش از یک قرن در عمده ترین حوادث و تحولات مثبت این کشور در صف اول قرار داشتند و نقش آفرینی کردند (آیت الله خامنه ای، ۲۶ بهمن ۱۳۹۰). به واسطه همین حضور در عرصه ها بود که مقام معظم رهبری از آذربایجان با عناوینی از قبیل سر ایران، نقطه ثقل ملت ایران و یکی از عمده ترین مراکز حیات ملت ایران تعبیر کرده اند (آیت الله خامنه ای، ۲۸ بهمن ۱۳۸۵). این بیان ضمن تصریح بر اهمیت حضور آذربایجان این واقعیت را مبرهن می کند که تحولات آذربایجان نیازمند مطالعات و پژوهش های تحلیلی بیشتری می باشد. به همین منظور پژوهش حاضر سعی می کند به این سوال پاسخ دهد که چه عوامل و انگیزه هایی محرک آذربایجان برای مداخله در امور کشور و تحولات سیاسی ایران بوده است؟ بدون تردید در اندیشه اسلامی نقش ایدئولوژی و عقاید مذهبی مورد توجه قرار خواهد گرفت، چنانکه مقام معظم رهبری این حرکت ها را حرکت های دینی می داند که از روی احساس غیرت دینی انجام گرفته است. ایشان در این زمینه می فرمایند: « همه متدین بودند در سرتاسر کشور، منتها بعضی از نقاط به خاطر خصلت های بومی - آن غیرت، آن شجاعت، آن مردانگی - این حرکت دینی را برجسته تر کردند؛ تبریز و آذربایجان اینجور بوده » (آیت الله خامنه ای، ۲۶ بهمن ۱۳۹۰). رابطه ایدئولوژی و کنش سیاسی مورد توجه برخی پژوهشگران سیاسی نیز قرار گرفته است. پژوهش حاضر با بهره گیری از چارچوب تحلیلی کوئنتین اسکینر^۱ که بر تأثیر متقابل اندیشه ها و تحولات اجتماعی تأکید می کند (Tully, 1988: 58) رابطه تحولات آذربایجان را با انگیزه های مذهبی و غیرت دینی کنشگران مورد توجه قرار داده است؛ بدین ترتیب که فضا و زمینه اجتماعی و اعتقادی همزمان با حوادث سیاسی آذربایجان را بازسازی کرده و با قرار دادن گزاره های تاریخی و حماسه های آذربایجان در فضای دینی حاکم بر زمان مذکور، رابطه دینداری مردم آذربایجان با جریان سازی سیاسی آنان را تحلیل می کند.

الف) نقش آذربایجان در تحولات سیاسی دوران قاجار و پهلوی

آذربایجان پیوسته با جریان استبداد، تجزیه طلب و مخالف فرهنگ اسلامی در ستیز بوده است، نزدیکی به مرزهای روسیه نیز که پیوسته در صدد استعمار ایران بود آذربایجان را به

^۱ . Quentin Skinner

منطقه‌ای مهم و استراتژیک تبدیل کرده و استعدادهای انسانی، گرایش‌ات مذهبی حاکم بر مردم آذربایجان و تجارب مبارزه با متجاوزان به خصوص دولت‌های عثمانی و روس نیز موجب می‌شد که آنها در شرایط سخت کشور به عرصه آمده و منشأ تأثیرات گسترده و ارزشمندی شوند که چند مورد آنها را با تأکید بر نقش غیرت دینی آذری‌ها بررسی می‌کنیم.

(۱) جنبش تنباکو

اولین حضور و شعور سیاسی آذربایجان در تاریخ معاصر ایران همزمان با انعقاد قرارداد ننگین تنباکو بوده است. قراردادی به ظاهر اقتصادی که موجب ضرر ایران می‌شد و همین امر اعتراض مردم را برمی‌انگیخت. اما آذربایجان به رهبری آقایان میرزا جواد و میرزایوسف مجتهد تبریزی پیش گام مبارزه با قرارداد تنباکو شد. در این زمینه مولف کتاب تاریخ‌الدخانیه می‌نویسد: «فقهای آذربایجان همکاری با شرکت را حرام و هر مسلمانی را که با شرکت همکاری کند کافر دانسته و خونس را حلال اعلام کردند. شرایط عمومی هم در تبریز به گونه‌ای بود که شاگردان مدارس مذهبی مسلح شده بودند و اکثر مردم به تهیه سلاح اقدام کرده بودند، این در حالی است که در سایر بلاد حکام بر حسب امر دولت و کلای کمپانی را در کمال اعزاز پذیرایی کرده بودند» (اصفهان‌ی کربلایی، ۱۳۸۲: ۹۵ تا ۹۷).

اعتراض آذربایجان ناصرالدین شاه را در موضع انفعال قرار داد تا جایی که شاه، امین حضور را به تبریز فرستاد تا میرزا جواد را ملاقات کند و هدایای شاه را به او تقدیم کند. اما سه روز قبل از ورود او بازار تبریز بسته شد و متجاوز از بیست هزار نیروی مسلح در خیابان‌های تبریز حاضر شده و فرستاده شاه را تهدید به قتل کردند. اعتراض چنان فراگیر بود که وقتی شاه دستور داد به سربازان تبریز فشنگ کافی داده شود تا با شورشیان مبارزه کنند امیر نظام حسنعلی خان گروسی که وزیر ولیعهد بود سربازان تبریز را چندین هزار یاغی مسلح خواند که دادن مهمات به آنها را کار درستی نمی‌دانست (نویسی، ۱۳۶۱: ۱۸۴).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که محرک اصلی قیام آذری‌ها انگیزه‌های دینی آنان بوده است، از جمله این شواهد که به وضوح از نگرانی مذهبی آنها حکایت می‌کند عباراتی است که آنها در مکاتبه با شاه به کار می‌بردند؛ به‌رغم برخی عقب‌نشینی‌های شاه در خصوص تأمین نظر فقها انجمن تبریز و علمای آن در نامه‌ای به ناصرالدین شاه ضمن عرض حال نوشتند: «مردم مالیات می‌پردازند و زندگی و دارایی خودشان را به پای تو می‌ریزند که تو آنها را در مقابل چپاول و ظلم و ستم کفار بفروشی؟ و اجازه دهی که اسلام با کفر رهبری گردد؟ و البته ما هم به این دنائت و پستی تن نخواهیم داد» (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۷۶).

همزمانی قیام آذربایجان با ماه محرم نیز شاهد دیگری است بر این که نقش احساسات مذهبی در قیام آذربایجان قابل چشم‌پوشی نیست، اولین شعله‌های قیام آذربایجان در ۱۴ محرم ۱۳۰۴ ایجاد شد که مردم اعلانات شرکت را کنده و به جای آن اعلامیه‌های انقلابی چسباندند. ۲۵ محرم مردم در تلگرافی به شاه وی را تهدید کردند که اگر از وا گذاشتن منافع مسلمین به عیسویان خودداری نکند خودشان با اسلحه از حقوق خویش دفاع خواهند کرد، ۲۹ محرم معلوم شد که از چند روز قبل در تبریز جمعیت جلوی عمارت ولیعهد اجتماع کرده و با تهدید، رعایت احکام قرآنی را مطالبه می‌کنند (فوریه، ۱۳۸۵: ۳۱۴). همچنین بدین دلیل که مردم تبریز نگران مداخله سفارت روسیه و دیگر خارجی‌ها در کار نهضت بودند و این مداخله خواسته شاه هم به حساب می‌آمد (فوریه، ۱۳۸۵: ۳۱۴)، از ظرفیت احساسی و دینی ایام محرم استفاده کرده و با ارسال تلگراف به سفارت‌های روسیه و عثمانی تأکید کردند: «ما اهالی تبریز از حالا به شما اطلاع می‌دهیم که روز عاشورا تمام فرنگیان و عیسوی‌ها را که در تبریز هستند قتل عام خواهیم کرد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۷۶۵).

گذشت زمان نیز چهره دین ستیزانه قرارداد تنباکو را آشکار ساخت و نشان داد که هدف واقعی آن مبارزه ایدئولوژیک در راستای استحاله اسلام بود. چرا که اگر قرارداد تنباکو به دنبال تأمین منافع اقتصادی استعمار بود به عقاید مردم ایران احترام می‌گذاشت و احساسات مذهبی را تحریک نمی‌کرد؛ در حالی که به دنبال اجرای قرارداد و با ورود کارکنان شرکت انگلیسی، بازار تهران رنگ و بوی فرنگی به خود گرفت، مراکز فحشا با حضور زنان فرنگی باز شد، تعداد دکان‌های شراب‌فروشی در تهران به بیش از صد مورد رسید، مبلغان مسیحی افراد را جذب کلیساها کرده، آیین مسیحیت و انجیل را به آنها تعلیم می‌دادند... و اتفاقاتی افتاد که همگی حکایت از ذلت مسلمین و انحطاط اسلام داشت و ادامه این وضعیت در ایران دستاوردی جز محو آداب رسوم اسلامی نمی‌توانست داشته باشد (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۸۷ تا ۸۷). همه این‌ها نشان می‌دهد که قرارداد تنباکو یک دسیسه ضدفرهنگی و ضد مذهبی بود. با توجه به ماهیت دین ستیزانه قرارداد، شعارها و خواسته‌های مردم و تقارن اعتراضات با ایام محرم که در نهایت نا صرالدین شاه را وادار کرد برای کاهش التهاب طی تلگرافی به مردم تبریز اطلاع دهد که قرار است به زودی امتیاز را لغو کند نقش غیرت دینی مردم آذربایجان در ایجاد و تداوم نهضت تنباکو قابل چشم‌پوشی نیست.

۲) نهضت مشروطه

مشروطه دیگر رویداد سیاسی مهم ایران معاصر است که منشأتحوالات عمیق شد و تبریز در آن نقش غیر قابل انکاری ایفا کرد. اگر چه تلاش‌هایی شده است که مشروطه خواهی تبریز را شریعت‌گریزی نشان دهند (کسروی، ۱۳۸۴، الف: ۳۴۰)، اما نکته قابل توجه این است که مشروطه تبریز نه تنها شریعت‌گریز نبوده بلکه از ظرفیت‌ها و محتوای دینی بهره کافی برده است، چرا که به اقرار همین مدعیان پیوستن تبریز به مشروطه‌خواهی در مرحله اول پس از این بود که سه گروه مذهبی تبریز کینه‌های مذهبی را کنار گذاشته و در مسجد صمصام‌خان کنار هم نشسته و از اختلافات سابق اظهار پشیمانی کردند، روحانی‌ها نیز در منابر مشروطه را برای مردم معنی می‌کردند و از گرفتاری‌های توده و ستمگری درباریان و خواری کشور سخن می‌راندند و مردم گریه می‌کردند (کسروی، ۱۳۸۴، الف: ۱۷۴).

پس از استقرار مشروطه و با انهدام مجلس، مشروطه از ایران برچیده شد و استبداد صغیر جایگزین آن شد. اما ورود تبریز به نهضت مشروطه در مرحله دوم همزمان با شنیدن خبر مخالفت شاه با مجلس و قبل از به توپ بسته شدن آن اتفاق افتاده بود؛ در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری (همزمان با ۲۷ خرداد ۱۲۸۷) اولین گروه مسلح تبریز را به قصد تهران ترک کرد (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۹۰: ۳۸۸). اما محمدعلی‌شاه که بخشی از دوران ولیعهدی پدرش و همچنین ولیعهدی خودش را در تبریز سپری کرده بود و با روحیات مردم تبریز آشنا بود حمایت مردم تبریز از مجلس را پیش‌بینی کرده بود و در اقدامی پیش‌دستانه قبل از حمله به مجلس که در ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ همزمان با ۲ تیر ۱۲۸۷ اتفاق افتاد تصمیم به سرکوب تبریز گرفت تا حمایت آنان از مجلس را ناکام بگذارد. همین امر موجب شد سواران تبریز از رفتن به تهران بازمانده و برای دفاع از شهر به تبریز بازگشتند. جنگ در محله‌های تبریز آغاز شد و به مدت یازده ماه طول کشید. جنگ تبریز که سی‌هزار جنگ‌جوی محمدعلی‌شاه را در تبریز مشغول و خزانه دولتی را خالی کرد (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۴) طرفداران استبداد را وادار کرد از ادامه روند استبدادی منصرف شوند؛ ادواردگری‌وزیر خارجه انگلستان در تاریخ اول آذر ۱۲۸۷ در نامه به وزیر مختار انگلیس در دربار روسیه نوشت: «حالا که ناتوانی شاه ایران در حکم‌فرمایی بر تبریز به ثبوت رسیده و به واسطه عدم ایفاء به عهود خود در باب مشروطیت دیگر هیچ احتمال این که بتواند تبریز را تحت نظام در آورد نمی‌رود فقط مشروطیت وسیله

^۱ . Edward Grey

علاج هرج و مرج ایالات و ولایات شمرده می‌شود... این نظریات را به وزیر خارجه روسیه رسانده از او خواهش کنید به نماینده دولت روس در تهران بر وفق آن تعلیم دهد» (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۲۹). در نامه دیگر در ۱۴ بهمن ۱۲۸۷ تأکید کرد: «دولت انگلیس اطمینان دارد اعطای مشروطه باعث آرامش و سکون در تمام ایران خواهد شد»، آنچه که انگلیس را نگران کرده بود ناتوانی محمدعلی شاه در سرکوب تبریز و خطر سرایت شعله‌های اعتراض به سایر شهرها بود، ترس آنها از یک انقلاب همگانی بود که بدون تردید همه منافع نامشروع استعمار را با خطر مواجه می‌کرد. به همین دلیل دولت‌های انگلیس و روسیه خواستار تجدید مشروطه شده و اعلام داشتند در صورت مقاومت شاه دست از حمایت او بر خواهند داشت، همین قطع حمایت بود که راه را برای نیروهای فاتح تهران باز کرد (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۰۱ تا ۴۱۶).

آنچه که لازم است درباره نهضت تبریز مورد توجه قرار گیرد و غفلت از آن قدرشناسی از نهضت و جفا در حق آن می‌باشد بی‌توجهی به انگیزه‌های مذهبی مجاهدان است. این واقعیت که مردم تبریز به همراه ۴۰ هزار مجاهد قریب به یازده ماه در برابر لشکریان عین‌الدوله که توسط حاکمان اغلب نقاط کشور اعزام می‌شدند ایستادگی کرده و مشکلات جنگ و تبعات ناشی از محاصره تبریز و قحطی را تحمل کرده و به جای نان به خوردن یونجه، شنگی و غازایاغی^۱ روی آوردند (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۹۰: ۳۸۸)، اما همچنان به حمایت از مشروطه خواهان ادامه دادند تا استبداد را به زانو در آورند، بدون تردید نیاز به انگیزه قوی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد انگیزه‌های قومیتی جایگاهی در این حرکت ندارند؛ بدین دلیل که اولاً قیام ستارخان منحصر در تبریز بوده نه همه آذربایجان به گونه‌ای که حتی از سایر شهرهای آذربایجان لشگرکشی‌هایی برای سرکوب قیام تبریز انجام می‌گرفت، ثانیاً قبل از مشروطه هیچ موقع آذربایجان حتی خیال خودمختاری و تجزیه‌طلبی را تجربه نکرده است، حتی همزمان با قیام شیخ محمد خیابانی که ترک‌های قفقاز جمهوری کوچکی تشکیل داده و به امید جدا شدن آذربایجان ایران و ایجاد یک آذربایجان مستقل، نام آن را از آران به آذربایجان تغییر دادند مبارزان رنجیده خاطر شده و به نشانه‌ی مخالفت، نام آذربایجان ایران را به آزادستان تغییر دادند (کسروی، ۱۳۸۴، ب: ۷۰۳). انگیزه‌های شخصی و سیاسی مجاهدان از جمله قدرت‌طلبی رهبران نهضت هم منتفی است چرا که پاسخ ستارخان در برابر پیشنهاد برخی خوانین که او را شایسته سلطنت می‌دانستند و زمینه را برای آن مساعد می‌دانستند چیزی غیر از

^۱. نوعی گیاه که به خاطر شکل ظاهری‌اش به پای غاز معروف است.

این نبوده که « من برای این جان در کف گرفته و با بدخواهان ملک و ملت به مبارزه برخواسم که مردم را از زیر زنجیر استبداد خلاص کنم حال خود بیایم و دعوی سلطنت کنم هرگز از من چنین چیزی سر نخواهد زد» (امیرخیزی، ۱۳۵۶: ۴۹۶).

در مقابل نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد محرک اصلی مردم تبریز در نهضت مشروطه انگیزه‌های دینی و به عبارت دیگر غیرت دینی آنان بود. یکی از نشانه‌هایی که غیرت دینی تبریز در نهضت مشروطه را حکایت می‌کند سابقه آشنایی تبریزی‌ها با محمدعلی شاه بود. تبریز که ولیعهدنشین قاجار بود و مدتی تحت امارت محمدعلی میرزا قرار داشت وی را فردی لاابالی و بی‌دین می‌شناخت. محمدعلی میرزا در دوران ولیعهدی امنیت اخلاقی تبریز را به هم ریخته بود و مردم خاطرات ناخوشایندی از حضور ولیعهد با ملکه بی‌حجابش در اماکن عمومی داشتند و پنهان کردن دختران و پسران زیبا برای در امان ماندن از شر جاسوسان ولیعهد و اشعار طنزی را هم که درباره فساد اخلاقی و زشتکاری‌های وی سروده شده بود فراموش نکرده بودند (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۹۰: ۱۰ و ۸۳)، و ممکن است به دلیل همین پیشینه ذهنی باشد که انجمن تبریز از همان ابتدای نهضت به چیزی کمتر از عزل محمدعلی شاه رضایت نمی‌داد.

حضور فعال روحانی‌های تبریز در نهضت یکی دیگر از مظاهر دینی مشروطه‌خواهی تبریز است؛ شیخ محمدخیابانی، میرزا جعفر راسته‌کویه‌ای، سیدمحمدخامنه‌ای، میرزا علی آقاآق‌الله‌الاسلام، میرزا حسین واعظ، میرزا جوادناطق حضور مستقیم در نهضت داشتند (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۶۳) و سخنرانی‌های مهمی که در مسجد صمصام‌خان ایراد می‌شد نقش مهمی در بسیج مردم داشت (کسروی، ۱۳۸۴، الف: ۷۲۰). سنت نیکوی اذان و بانگ تکبیر شبانگاهی که توسط افراد ستارخان انجام می‌گرفت و روحیه دشمن را شکسته و به مجاهدین قوت قلب می‌داد (بشیری، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۶۴)، حضور و مشارکت زنان که در محاصره یازده ماهه تبریز به پختن غذا، دوختن لباس، بافتن جوراب، پر کردن پوکه، خبررسانی جنگی، پرستاری از مجروحان مشغول بودند، و گاهی به جنگ با لباس مردانه در میدان رزم می‌پرداختند (عافیت، ۱۳۵۲: ۷۰) و گاهی سلاح در دست در معرکه‌ها ظاهر شده و با تکرار عبارت «جهاد» احساسات مردم را شعله‌ور می‌کردند (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۹۰: ۸۵) واقعیت‌هایی هستند که برخی از مورخان با اهداف قومیتی و برخی دیگر به خاطر کینه‌ای که با اسلام و روحانیت داشتند سعی در ندیدن آنها داشته‌اند، اگر چه برخی مواقع ناچار مانده خود نیز بدان اعتراف کرده‌اند، همچنان که کسروی با تمام تلاشی که در نادیده گرفتن حضور روحانی‌ها در جنبش تبریز دارد تصریح می‌کند: «ملایان که کمتر جنگ‌جویی کنند در این روز (حمله

صمدخان مراغه‌ای به تبریز) کسانی از ایشان نیز تفنگ گرفتند. یکی از آنها به کوچه افتاده داد می‌زد و مردم را به جنگ می‌شورانید (کسروی، ۱۳۸۴، الف: ۸۸۸)، همچنین می‌نویسد: «علمای سه گانه نجف به یاری تبریز برخاستند و باز فتواها فرستادند در این زمینه که رفتن به سر تبریز به منزله جنگ با امام زمان {عج} و بستن راه خواربار برای آن شهر در حکم بستن آب فرات به روی اصحاب سیدالشهدا {ع} می‌باشد، و اگر فتاوی علمای نجف نبود کسی به یاری مشروطه پرداختی، همان مجاهدان تبریز بیشترشان پیروی دین می‌داشتند و دست‌آویز ایشان در آن کوشش و جانفشانی این فتواهای علمای نجف می‌بود. همان ستارخان بارها این را به زبان می‌آورد که من حکم علمای نجف را اجرا می‌کنم. همچنین بازرگانان توانگر که پول به نام اعانه به تبریز می‌فرستادند بیشترشان پیروی از فتواهای علما می‌کردند» (کسروی، ۱۳۸۴: ۷۵۵).

اینها بخشی از واقعیت‌هایی هستند که اجازه نمی‌دهند قیام مشروطه‌خواهی تبریز را بدون در نظر گرفتن انگیزه‌های دینی مردم تبریز تحلیل و بررسی کرد.

۳) فرقه‌دموکرات

آزمون دیگری که آذربایجان را به چالش کشید و مردم با حضور آگاه و سرشار از شور مذهبی خود آن را به حما سه تبدیل کردند غائله فرقه دمکرات بود که به نظر می‌رسد مطالعات اندک درباره آن زمینه را برای قضاوت نادرست فراهم کرده و در نگرش سطحی، یاغی‌گری عوامل وابسته به روسیه جدایی طلبی آذربایجان پنداشته شده است، در حالی که این تصور جفای تاریخی در حق آذربایجان می‌باشد. سیدجعفر جوادزاده «پیشه‌وری» با حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی روسیه و با اهداف استعماری و کمونیستی، فرقه موسوم به دمکرات را در عرصه سیاست ایران پدید آورده و توانست به راحتی نیروهای دولتی، ژاندارمری‌ها و پلیس را در تبریز، اردبیل، خوی، مراغه، اهر و سایر شهرهای آذربایجان خلع سلاح کرده و در شهریور ۱۳۲۴ حکومت خود را در آذربایجان تشکیل دهد (اسکندری، ۱۳۷۲: ۱۸۲). دمکرات‌ها پس از اعلام خود مختاری با روش‌های تبلیغاتی و ارباب سعی کردند مردم را به حکومت پیشه‌وری جذب کنند (مخبر السلطنه، ۱۳۶۳: ۴۴۰). پیشه‌وری زبان روسی را به عنوان زبان خارجی آذربایجان ترویج می‌کرد و ضمن نصب تصاویر استالین و رهبران شوروی در مراکز فرقه لباس، کلاه، چکمه افسران و درجات نظامی آنها را از ایرانی به روسی تبدیل کرد (اسکندری، ۱۳۷۲: ۱۷۸). اما از آنجا که مردم تبریز روس را به عنوان اشغالگری می‌شناختند که سال‌ها به مقابله با آن برخاسته بودند نسبت به این فرقه روی خوش نشان ندادند.

گزارش‌های به دست آمده از جلسه رهبران فرقه دموکرات درباره ارزیابی علل ناکامی شان نیز نشان می‌دهد که آنان از گرایش و غیرت دینی آذربایجان شکست خوردند؛ آنها در جلسه حزب تصریح کردند که: «علت استقبال نکردن مردم از همکاری با ما و عضویت در فرقه دمکرات این است که ما به دین و مذهب بی‌اعتنایی می‌کنیم و کمتر روحانی در صفوف ما وجود دارد، روحانیون بزرگ، ما را طرد کرده‌اند و اصولاً قبول‌مان ندارند در حالی که در دوران مشروطه‌خواهی و نهضت ثقة‌الاسلام و جنبش خیابانی، صدها و هزارها روحانی و طلبه در صف آزادی‌خواهان بودند.....» در همان جلسه عدل‌الدوله هم پیشنهاد کرد که برای حفظ ظاهر، تظاهر به دینداری شود و برای این که متهم به دینداری نشود پیوسته استدلال می‌کرد: «ما ارتجاعی فکر نمی‌کنیم و دنبال دین و مذهب نیستیم، اما آذربایجانی‌ها در دین و مذهب بسیار متعصب و پابرجا هستند. آیین سوگواری رمضان و محرم و صفر در آذربایجان از دیگر نقاط ایران با شکوه بیشتری انجام می‌شود و شور و هیجان و بی‌قراری آذربایجانی‌ها در سینه زنی و روضه‌خوانی و ارادت به خاندان پیامبر {ص} در همه نقاط ایران مشهور است.» (معتضد، ۱۳۷۵: ۵۷۷).

روحانیون هم مردم را از سرانجام فرقه دموکرات بیم می‌دادند و با وجود این که مسئولین فرقه سعی می‌کردند مخالفت علما را برنیاورند اما مخالفت آنها ریشه‌های عمیق ایدئولوژیکی داشت؛ اغلب آنها معتقد بودند که فرقه، کمونیست و کافر و منکر وجود خداوند است و مردم باید جهاد کرده و وطن خود را از کفر و بی‌دینی آنها نجات دهند، حتی میرزا حبیب مجتهدمراغه‌ای عضویت در فرقه را با زنای با محارم در کعبه برابر اعلام می‌کرد. در نتیجه این تبلیغات مقبولیت مردمی فرقه به اندازه‌ای پایین بود که وقتی در برخی روستاهای زنجان فرقه انبار گندم ارباب‌ها را باز کرده و بین مردمی که از گرسنگی می‌مردند تقسیم کرد مردم گرسنه آنها را به عنوان مال حرام و ترس از عذاب جهنم به مأموران فرقه بازگرداندند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۴۰ تا ۴۴۳).

اگر چه در تاریخ معاصر اختلاف عقیدتی آذربایجان با فرقه نادیده گرفته شده و مذاکرات قوام السلطنه با روس‌ها و تعاملات پشت پرده روس با آمریکا عامل قطع حمایت آنان از فرقه دمکرات معرفی شده است، و این امر طبیعی هم به نظر می‌رسد چرا که فرقه دمکرات زاده سیاست خارجی‌ها بود و چنین فرقه‌هایی دیر یا زود وجه‌المصالحه بین خارجی‌ها قرار می‌گیرند، اما این که روس‌ها حاضر به فدا کردن پیشه‌وری و فرقه دمکرات شدند بدین دلیل بود که دمکرات‌ها نتوانستند در آذربایجان از جایگاه مردمی برخوردار شوند. این ضعف فرقه در

سوگواری آذربایجان برای آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی برای روس ها بیشتر آشکار شد؛ در رحلت آیت الله اصفهانی آذربایجان از مبارزه منفی خارج شده و حرکتی انجام داد که کسی را توان کنترل آن نبود. آیت الله میرزا فتاح شهیدی که شاگرد آیت الله اصفهانی بود برای برگزاری مجالس ترحیم استادش پیش قدم شد؛ با استقبال مردم، شهر تبریز به عزاخانه تبدیل شد و همه سیاه پوشیده و با فریاد و اسلاما و وامحمدا به خیابان ها ریختند و در عزای مرجع تقلید خود بازار تبریز را تا چهل روز تعطیل کردند.

سرکنسول روس که با رفتار غیرمنتظره و ضد کمونیستی تبریز مواجه شده بود پیشه‌وری را طلبیده و او را مواخذه کرد که شما به ما گفته‌اید «مردم تبریز همه کمونیست شده‌اند، این‌ها به خاطر فوت یک عالم این چنین شیون و ناله می‌کنند، ... شما با این همه فدایی و قشون مسلح و مأمورین مخفی چطور نتوانستید این حادثه را پیش‌بینی و از وقوع آن جلوگیری کنید؟». همراهان پیشه‌وری هم که برای کاستن از خشم وی جایگاه آیت الله اصفهانی را یادآور شده و گفتند: «این شخص مرجع تقلید شیعیان بوده و هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی احساسات مسلمانان را بگیرد» پاسخ شنیدند: «کمونیست این چیزها را قبول ندارد یک فرد کمونیست جز به رهبر و حزب به چیزی نمی‌اندیشد، معلوم می‌شود که تمام گزارش‌هایی که به کنسولخانه داده‌اید دروغ محض بوده است، نظام کمونیستی خدا را نمی‌پذیرد تا چه رسد به یک روحانی» (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۳۱).

در ۱۶ آذر ۱۳۲۵ با حمایت انگلیس و آمریکا و سکوت شوروی حمله قوای دولتی از سمت میانه به تبریز آغاز شد اما سرنوشت این جنگ قبلاً در مسکو تعیین شده بود و مقامات روس که در مذاکره با قوام السلطنه فرقه را فدای امتیاز نفت شمال کرده بودند خواستار عدم مقاومت فرقه بودند (مرادی مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۵۰ تا ۴۵۵). فرقه که در میدان جنگ در سرحدات آذربایجان شکست خورده بود در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ با سنگربندی مردم در کوچه‌ها و پشت بام‌های تبریز مواجه شد و جنگ تن‌به‌تن مردم با دموکرات‌ها آغاز شد (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۴۲). امام خمینی (ره) در تجلیل از مقاومت مردم در برابر جدایی طلبان دموکرات، این مقاومت را نجات دهنده ایران توصیف کرده و فرمودند: «آذربایجانی که در طول تاریخ مخالفت کرده است با اینها، زمان سابق که ایران را گرفته بودند و پیشه‌ور آن بساط را درست کرد، آذربایجان نجات داد ایران را، یک جمعیتی که همیشه خدمتگزار اسلام بوده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱۱؛ ۵۲۶).

ب) نقش مردم تبریز در تحولات انقلاب اسلامی

تحولات آذربایجان در نهضت امام خمینی (ره) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و از غیرت دینی و ظرفیت‌های مکتبی بهره برده است، ارتباط روحانیت و حوزه علمیه تبریز با جریان اصیل نهضت، آذربایجان را از سال ۱۳۴۲ با نهضت اسلامی همراه کرد، اما آذربایجان در چارچوب غیرت دینی سه حرکت سیاسی سرنوشت ساز انجام داد که دستاورد قابل توجهی داشت. این موارد قیام ۲۹ بهمن تبریز در سال ۱۳۵۶، دفع غائله خلق مسلمان در سال ۱۳۵۸ و حماسه ۸ دی ۱۳۸۸ بودند که ارتباط آنها با ایدئولوژی اسلامی در ذیل بررسی می‌شود؛

۱) قیام ۲۹ بهمن تبریز

شاخص‌ترین حرکت مردم تبریز در راستای انقلاب اسلامی که با انگیزه‌های دینی مرتبط بود قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ بود که پیش‌زمینه ظاهری آن فوت آقامصطفی خمینی و فاجعه ۱۹ دی قم بود. آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی که رهبری مبارزات در آذربایجان را به عهده داشت و توانسته بود به جوانان انقلابی انسجام دهد از شناخت کافی نسبت به تبریز و ظرفیت انقلابی آن برخوردار بود، به همین خاطر در شرایطی که دوستانشان سکوت تبریز در مقابل حادثه قم را کوتاهی دانسته و با ناامیدی از آن یاد می‌کردند ایشان تبریز را به دیگ سنگی بزرگی تشبیه کردند که دیر به جوش می‌آید ولی بعد از جوشیدن قابل کنترل نیست (ح، بنایی، مصاحبه شخصی، ۵ مرداد ۱۳۹۴). همزمان با عزاداری‌های حضرت امام حسین در همان سال که عکس‌های امام خمینی (ره) توزیع و شعارهای انقلابی در جامعه ترویج شد امکان برنامه‌ریزی برای یک قیام در اربعین شهدای قم فراهم شد، اعلامیه‌ای برای دعوت از مردم به مراسم چهل‌م نوشته شد که یازده تن از مجتهدین تبریز آن را امضا کردند، ساختار تشکیلاتی شبکه‌ای و مخفی هم که آیت‌الله قاضی ایجاد کرده بودند و قرار بود مراسم را مدیریت کند توانست اطلاع‌رسانی خوبی برای حضور در مراسم انجام داده و جمعیتی را از همه اقشار به مسجد بیاورد که با جمعیت عاشورا مقایسه می‌شد (شیرخانی، ۱۳۷۸: ۱۰۵ و ۲۱ نقل از کریم ارسلانی و سیدمحسن موسوی). ضمایم برنامه نشان می‌داد انقلابی‌های تبریز می‌خواهند در پوشش مجلس ترحیم به اهداف مهمتری که ریشه در عقاید دینی مردم داشت دست پیدا کنند؛ چرا که در جلسه هماهنگی مراسم اربعین داخل مسجد، برنامه‌های مهمتری برای تحرکات بیرون مسجد انجام شد؛ گروه‌هایی مشخص شده بودند که همزمان با مراسم به مراکزی که دست بهایی‌ها بودند از جمله بانک صادرات، مشروب‌فروشی‌ها، سینماها، کاباره‌ها، دفتر حزب رستاخیز، مراکز فرهنگی ایران و انگلیس، مرکز فرهنگی ایران و آمریکا، کتابخانه جان.اف. کندی، کاخ

جوانان و سینمای وابسته به آن، خانه جوانان، سازمان زنان و کارخانه پرسی کولا که مرکز تولید آب‌جو بود حمله کنند، حتی برای مقابله با حمله احتمالی مأموران پهلوی چندین ماشین آجر به بهانه تعمیر خانه و مغازه در مسیرهای مورد نظر تخلیه شده بود که در روز حادثه به سلاح مردم تبدیل شود و در نهایت همین اتفاق نیز افتاد (شیرخانی، ۱۳۷۸: ۱۸ و ۶۵، ۳۹، ۱۹ و ۱۳۵). مصاحبه با آقازاده، خاماچی، صبری و وظیفه شعاع). منع از ورود به مسجد و توهین سرگرد مقصود حق‌شناس (رییس کلانتری بازار) به خانه خدا و تیراندازی به سوی محمد تجلا که به دنبال توهین به مسجد در صدد حمله به حق‌شناس برآمده بود ابتکار عمل را به طور کامل در اختیار آیت‌الله قاضی و دوستانش قرار داد؛ به دستور آیت‌الله قاضی و با یک برنامه‌ریزی حساب شده جمعیتی که پرچم‌های سیاه با نوشته‌های «الله اکبر»، «یا حسین»، «یا ابوالفضل العباس» در دست داشتند در همه خیابان‌های اصلی تبریز تقسیم شدند و با شعارهای «حسین حسین»، «لا اله الا الله»، «الله اکبر»، «یا صاحب‌الزمان»، «یا مهدی»، «درود بر خمینی»، «مرگ بر شاه»، «مرگ بر آمریکا»، «تاشاه کفن نشود، وطن وطن نشود» شروع به تخریب اماکن از قبل تعیین شده کردند (شیرخانی، ۱۳۷۸: ۱۱۵، ۶۵ و ۱۳۵). مصاحبه با صبری، نجفی و وظیفه شعاع). اگر چه این قیام با کشتار مردم تبریز سرکوب شد ولی ضمن رسوا کردن رژیم، نخستین حلقه زنجیره‌ای بود که قیام قم را به قیام‌های پی‌درپی علیه پهلوی متصل کرد و تأثیرش بر جریان انقلاب نیز همان بود که امام (ره) در چهلّم شهدای تبریز فرمودند: «کشتار دسته جمعی تبریز، ملت غیور ایران را چنان تکان داد که در آستانه انفجار است، انفجاری که دست اجانب را به خواست خدای متعال برای همیشه قطع کند (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۵۳).

بازخوانی حوادث قیام نشان می‌دهد آن چه که این قیام را بر صفحه تاریخ انقلاب نشاناند درایت و تدبیر حاکم بر آن، برنامه‌ریزی دقیق و جامع، وحدت کلمه روحانیت و فقه‌های تبریز، حضور گسترده و فراگیر مردم از همه اصناف و اقشار و از همه بالاتر حاکمیت غیرت دینی و احساسات مذهبی بر فرایند قیام بود که خود را در قالب مبارزه با بهائیت، مبارزه با فساد، و حفظ حریم مسجد و با شعارهای مذهبی و مکتبی نشان می‌داد.

۲) دفع غائله خلق مسلمان

پس از پیروزی انقلاب نیز مردم آذربایجان پیوسته در حمایت از انقلاب پیشتاز بودند و به‌رغم این که در برخی مقاطع آذربایجان آماج فتنه‌ها قرار گرفت اما همه آزمایش‌ها را با سربلندی پشت سر گذاشت. اما سخت‌ترین آزمون سیاسی آذربایجان در غائله خلق مسلمان بود؛ «حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران» در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ توسط ۱۰ شخصیت

مورد اعتماد آیت‌الله شریعتمداری تأسیس شد، این حزب از مرامنامه‌ای بهره می‌برد که می‌توانست در راستای اهداف انقلاب اسلامی نقش ایفا کند و حتی به منظور ایجاد وحدت بین گروه‌ها و احزاب، موافقت آیت‌الله شریعتمداری برای ائتلاف با حزب جمهوری اسلامی را به دست آورده بود (حیدری، ۱۳۸۸، ج ۲؛ ۱۴۸). اما به خاطر برخی مشکلات ساختاری و اعتقادی از استعداد بالایی برای مقابله با جمهوری اسلامی برخوردار بود و از همان بدو تأسیس برخی از افراد انقلابی که با شرایط آذربایجان آشنا بودند نسبت به آینده حزب مسلمان اظهار نگرانی کرده بودند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲، ص ۴). نقاط ضعف حزب خلق مسلمان که آن را به یک جریان ضد انقلاب تبدیل کرد اغلب به طرز فکر موسسان و هواداران مربوط می‌شود که در ذیل بیان می‌شوند؛

- برخی از موسسان همانند سیدهادی خسرو شاهی و رضا گل‌سرخی از روحانیان مبارز و انقلابی بودند که در دوران پهلوی محکومیت هم داشتند. این دسته از افراد پس از مدتی استعفا دادند ولی رسانه‌های حزب اخراج آنها را اعلام کردند (نشریه خلق مسلمان، ۱۳۵۸/۵/۲۰، ص ۲).

- برخی از موسسان، طرفدار رژیم پهلوی بودند؛ سید غلامرضا سعیدی از مرتب‌ترین با درباریان سابق بود، احمد علیزاده دبیر حزب در سابق عامل حزب رستاخیز بود (حیدری، ۱۳۸۸، جلد ۱؛ ۱۴۵ تا ۱۶۹)، هریسی‌نژاد که قبل از انقلاب رییس حزب رستاخیز هریس بود بعد از انقلاب دبیر تعلیمات اسلامی مدرسه صفا شد و دانش‌آموزان را هدایت کرد جلوی استانداری شعار «عمامه‌دن تاج اولماز خمینی‌دن شاه اولماز»^۱ سر دادند (انزابی، مصاحبه شخصی ۲۰ دی ۱۳۹۵).

- انجمن اسلامی مبارزه با بهائیت تبریز که در اواخر دهه ۱۳۳۰ تشکیل و سلسله مدارس صفا را تأسیس کرد؛ ظاهر دینی انجمن موجب شد اغلب خانواده‌های مذهبی تبریز فرزندان خود را به مدارس صفا بپارند، مدارس صفا که به خاطر تأثیرپذیری از حجتیه، نسبت به وقایع سال ۱۳۴۲ عکس‌العملی نشان ندادند از مروجان مرجعیت آیت‌الله شریعتمداری بودند و به حلقه وصل خلق مسلمان با انجمن حجتیه تبدیل شدند (انزابی، مصاحبه شخصی ۲۰ دی ۱۳۹۵). حتی در غائله قم که حزب خلق مسلمان در ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸ درست کردند اعضای سرشناس حجتیه تبریز و مراغه حضور داشتند (م، پرغو، مصاحبه شخصی ۱۸ دی ۱۳۹۵). واگذاری مسولیت حزب

^۱. «عمامه تاج نمی‌شود، خمینی شاه نمی‌شود».

خلق مسلمان مشهد به سیدحسن ابطحی (حیدری، ۱۳۸۸، ج ۲؛ ۱۳۶) نشانه دیگری بر نفوذ حجتیه در حزب خلق مسلمان است.

- نفوذ عناصر لیبرال در حزب خلق مسلمان؛ رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای که اسناد لانه جاسوسی از استخدام وی در سازمان سیا پرده برداشت از اعضای سرشناس حزب بود، همچنین حسین منتظرحقی که از عوامل بختیار بود و عضو شورای مرکزی حزب شده بود، مهندس بازرگان هم تأکید می‌کرد که آذربایجان استان آیت‌الله شریعتمداری است و استانداری و کارهای دیگر آن باید زیر نظر ایشان باشد. ثمره نفوذ و تلاش این جریان، حمل عکس‌های محمدرضا و بختیار در غائله قم و مقدمه سازی برای ورود بختیار به تبریز و اعلام آذربایجان به عنوان ایران آزاد بود که شکست خورد (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۳۱ و ۱۸۰).

- همکاری با گروه‌های جدایی طلب؛ دفتر آیت‌الله شریعتمداری مستعد مباحث اختلاف ترک و فارس بود و برخی اظهار نظرهای ایشان در مورد دفاع از حقوق آذری‌ها مورد توجه جدایی طلبان قرار گرفت. به همین خاطر عزالدین حسینی در مصاحبه با نشریه خلق مسلمان از همسویی خلق مسلمان با خلق گُرد سخن گفت و حزب دموکرات با صدور بیانیه‌ای ضمن دفاع از آیت‌الله شریعتمداری از خواسته‌های مشروع! مردم آذربایجان و کسب خودمختاری آنان پشتیبانی کرد (نشریه خلق مسلمان، ۱۳۵۸/۹/۱۸، ص ۳)، علاوه بر این آنها سلاح مورد نیاز خلق مسلمان را تأمین می‌کردند و در ۱۷ دیماه ۱۳۵۸ نیز تعدادی از کومله‌ها وارد راهپیمایی خلق مسلمان شده و با شعار «درود بر برادران کرد ما» مورد استقبال قرار گرفتند، کومله‌ها در حمله مسلحانه به تلویزیون تبریز و اشغال آن هم دخالت مستقیم داشتند (رزمی، ۲۰۰۰: ۱۴۴).

- اطرافیان و نزدیکان آیت‌الله شریعتمداری که اغلب به خاطر روابطی که با رژیم قبلی داشتند در تصمیمات ایشان تأثیر گذار بودند؛ مسئول دفتر وی قائمی‌فر در اسناد ساواک به عنوان شخصی پول‌دوست معرفی می‌شود که به خاطر تضعیف امام خمینی از ساواک درخواست پاداش کرده بود، پیشکار وی غلامرضا زنجانی با نام مستعار ابهری رابط ساواک بوده و وظیفه‌اش هدایت آیت‌الله شریعتمداری بوده است، داماد ایشان عباسی که بعداً جایگزین زنجانی شد از هواداران جبهه ملی و دارای افکار افراطی بود و در ملاقاتی که با ساواک داشت نسبت به امام خمینی هتاک و فحاشی کرده بود (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۱۰ تا ۱۳۹). حسن شریعتمداری که امروزه نیز به فعالیت‌های ضدانقلابی خود ادامه می‌دهد تسلط زیادی بر دفتر و تصمیمات پدرش داشت، چنانکه وقتی آقای فلسفی دستخط انحلال حزب خلق مسلمان را از آیت‌الله شریعتمداری گرفته بود حسن دستخط را از آقای فلسفی گرفته و به پدر خود اهانت

کرده بود (ا، انزابی، مصاحبه شخصی ۲۰ دی ۱۳۹۵ نقل از آیت الله انزابی). اطرافیان آیت الله شریعتمداری چنان بر دفتر و مواضع ایشان مسلط بودند که وقتی آیت الله احمدی میانجی همراه برخی اعضای جامعه مدرسین و کارشناسان صدا و سیما برای ضبط صدای ایشان در بیانیه انحلال حزب خلق مسلمان به منزل ایشان رفتند هنگام ورود به آنها اجازه داده نشد و در نهایت پس از ورود برق منزل را قطع کردند تا ضبط انجام نشود (اباذری، ۱۳۸۰؛ ۳۰۷).

- نفوذ افراد بی دین و لایابالی در خلق مسلمان؛ کشف مشروبات الکلی و لوازم فساد از محل حزب (حیدری، ۱۳۸۸؛ ج ۲: ۱۸۸) نشان می دهد برخی از خلق مسلمان هیچ گونه تقید مذهبی نداشتند. به گزارش شاهدان عینی در محل حزب خلق شخصی درباره قطع آب منزل آیت الله شریعتمداری سخنرانی می کرد و برای تحریک مردم می گفت که ایشان حتی از فرط بی آبی در منزل خود با کوکا و صو می گیرد (ا، انزابی، مصاحبه شخصی ۲۰ دی ۱۳۹۵ و م، پرغو، مصاحبه شخصی ۱۸ دی ماه ۱۳۹۵). روشن است که اگر سخنران اندک آشنایی با احکام وضو داشت چنین مطلب نامناسبی را بر زبان نمی آورد.

- مهمتر از همه مواضع غیرانقلابی آیت الله شریعتمداری در دوران پهلوی بود که بعد از انقلاب با مخالفت ایشان با همه پرسی قانون اساسی و در مرحله بعد مخالفت با اصل ولایت فقیه به اوج خود رسید (نشریه خلق مسلمان، ۱۳۵۸/۹/۳، ص ۲۱). چنین رویکردی در نهایت به ضدیت با انقلاب تبدیل شد و موجب شد تمام گروه ها و جریان های ضدانقلاب مرجعیت مذهبی را پوشش تحركات خود قرار دهند.

شواهد فوق نشان می دهد فتنه خلق مسلمان اختصاص به آذربایجان نداشت بلکه اهدافی فراتر از آذربایجان را دنبال می کرد؛ چنانکه امام (ره) فرمودند: «مفسدین و قشرهایی از خارج کشور بودند که به اسم اسلام در آذربایجان مشغول بودند» (امام خمینی، ۱۳۸۱؛ ج ۱۱: ۲۳۶)، آنها به خاطر استعداد آذربایجان در تاریخ سازی، آن را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب کردند و علاقه وافر مردم به مذهب و نهاد مرجعیت باعث شد فتنه ضد انقلاب اسلامی از نقاب مذهب بهره برده و امر مبارزه را بر مردم مسلمان دشوار نموده و جمعی از متدینان را نیز در دام حزب خلق مسلمان گرفتار کند. با وجود اینکه فتنه بسیار پیچیده و ابعاد آن از وسعت زیاد برخوردار بود اما نقش آذربایجان در نجات ایران اسلامی این بار هم ستودنی بود؛ اولاً مردم آذربایجان ارتباط خود را با امام (ره) افزایش داده و در چهار ماه آخر حزب که اوج فتنه بود اصناف متعدد آذربایجان شش مورد ملاقات با امام داشتند و از ارشادات ایشان درباره آذربایجان بهره بردند (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۳۲ و ج ۱۱: ۵۲۴، ۳۶۷، ۳۶۲، ۳۳۵، ۲۲۸). ثانیاً

مردم تبریز اگر چه به اعتبار سیادت و مرجعیت علاقمند به آیت الله شریعتمداری بودند ولی طرفدار خلق مسلمان نشدند چنان که آقای عرفانی در گزارش به آیت الله شریعتمداری می گوید: «عقلا، علما و روشنفکران مهم تبریز مخالف خلق مسلمان و هر چه آشوبگر و بی نماز طرفدار خلق مسلمان هستند» (حیدری، ۱۳۸۸: ج ۲، ۹۶). ثالثاً به رغم شرارت های خلق مسلمان زمانی که متدین های فریب خورده در راهپیمایی ها شرکت می کردند تصاویر امام (ره) و آیت الله شریعتمداری را با هم حمل می کردند (حیدری، ۱۳۸۸: ج ۲، تصاویر پیوستی). رابعاً همه اصناف و گروه های تاثیرگذار آذربایجان با تظاهرات های انقلابی گسترده انحلال حزب را خواستار بودند حتی یک طومار ۳۰ متری با یکصد هزار امضا به قم ارسال کرده اند (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۵۲). خامساً پس از اعلام رضایت آیت الله شریعتمداری با انحلال خلق مسلمان، اعضای حزب که ۲۸ کمیته مسلح شهر تبریز را در اختیار داشتند آن را نپذیرفته و تلویزیون تبریز را تسخیر کردند اما نیروهای مردمی فقط پس از گذشت چند ساعت آن را پس گرفتند. سادساً پس از رضایت آیت الله شریعتمداری با انحلال حزب روحانیون طرفدار ایشان همچون اسنقی، بکایی، هشترودی، اهری، دروازه های، فرزانه و ... فعالیت سیاسی را کنار گذاشته و ارتباط خود را به مقلدین سنتی محدود کردند. اگر چه برخی از همین جریان مذهبی هنوز هم طریق غیر انقلابی در پیش گرفته و از امور سیاسی کناره گیری کرده اند اما با جدایی آنها از حزب، شرایط برای برخورد انقلابی و فروپاشی کامل خلق مسلمان فراهم شد. در نهایت در بامداد ۲۲ دی ماه ۱۳۵۸ با حمله سپاه پاسداران به ستاد مرکزی حزب غائله خلق مسلمان پایان یافت و پیام امام (ره) جامه عمل پوشید که فرمودند: «اگر یک روز بگوییم به مردم، خود مردم آذربایجان کار را اصلاح می کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۰۱).

۳) حماسه دی ۱۳۸۸

یکی از مهم ترین صحنه های سیاسی که آذربایجان در آن نقش ایفا کرد حماسه دی ماه ۱۳۸۸ بود. تجارب سیاسی آذربایجان نشان می دهد که این خطه بیش از یک قرن در خط مقدم مبارزه با جریان استعماری و ضد دینی قرار دارد. بدیهی بود که اگر آذربایجان در ارزیابی عملکرد جریان فتنه سال ۱۳۸۸ آن را وابسته به استعمار و مخالف عقاید دینی تشخیص بدهد بر اساس تجارب پیشین خود مقابله جدی تری با آن داشته باشد. جریان فتنه هم با تمرد از هشدار صریح ولی فقیه در نماز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ خیابان ها را ترک نکرد و با سر دادن شعار علیه اصول مهم قانون اساسی، آتش زدن عکس رهبر کبیر انقلاب و با جلب حمایت بیگانگان، ماهیت استعماری و ضد دینی خود را آشکار کرد. روز شمار سال ۱۳۸۸ و اظهار نظرهای سران

فته، اعتراف وزیر امور خارجه آمریکا و دولت مردان آلمان و فرانسه به حمایت از معترضان، سخنان توهین آمیز رییس جمهور فرانسه نسبت به رهبران ملت ایران، اعلام آمادگی سازمان منافقین برای براندازی در ایران در نامه به رییس جمهور آمریکا، افزایش تبلیغات فرقه ضاله بهائیت با استفاده از فضای پدید آمده پس از انتخابات و... شواهدی بودند که ثابت می کردند جریان مقابل دیگر آن جریان و جهت گیری انتخاباتی نیست بلکه ابزاری استعماری است که جمهوری اسلامی و عقاید دینی مردم را هدف گرفته است (سایت رجانیوز، ۱۳/۱۰/۹۳ و روزنامه وطن امروز ۱۳۸۸/۱۰/۹، ص ۱۶۳). در نهایت در ششم دی ۱۳۸۸ با شکسته شدن حرمت عاشورا تمام تردیدها رخت بر بست و با آشکار شدن هسته اصلی فتنه، مردم از هدایت فتنه گران ناامید شدند و با آگاهی و بصیرتی که ریشه در روشنگری های رهبر معظم انقلاب در هفت ماه گذشته داشت پا به میدان گذاشتند. در این حماسه باز هم آذربایجان با فرصت شناسی و استفاده از تجارب تاریخی خود در خط مقدم قرار گرفت و اشک حسینی همراه با خشم انقلابی مردم آذربایجان در روز هشتم دی ماه که نتیجه شکسته شدن حرمت عاشورا توسط ضد انقلاب بود غیرت دینی و بغض فروخورده ملت ایران را به صحنه آورده و بساط فتنه را جمع کرد.

پیش گامی آذربایجان در حماسه دی ماه ۸۸ همانند حماسه های سابق آن از چند ویژگی شاخص و تاریخی برخوردار بود. اولاً این بار هم پیرو الگوی تاریخی حاکم بر فضای سیاسی آذربایجان نقش علما و روشنگری آنها را نمی توان نادیده گرفت، به خصوص نقش آیت الله محسن مجتهد شبستری در حرکت دادن اقشار مردم فراتر از دعوت زبانی بود، اما نباید از این نکته غفلت کرد که اگر زمینه مساعد مذهبی و علاقمندی آذربایجان به ولایت نبود ممکن بود که این روشنگری ها ثمره ای نداشته باشد. ثانیاً حضور مردم اختصاص به صنف خاصی نداشت و همه اقشار حضور داشتند؛ علاوه بر روحانیت انقلابی، اصناف و بازاریان حضور داشتند و در صفوف اولیه تظاهر کنندگان کفن پوشان قرار داشتند، دانشگاهیان دانشگاه تبریز هم با صدور بیانیه ای خواستار واکنش قوه قضاییه بودند (وطن امروز، ۱۳۸۸/۱۰/۹، ص ۳ و کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۹، ص ۱۴). ثالثاً شور و شوق معنوی و غیرت دینی خاصی بر حماسه هشتم دی تبریز و اغلب شهرهای آذربایجان حاکم بود؛ چنان که راقم این سطور و حاضرین حماسه به یاد دارند دست نوشته های مردم فتنه گران ۸۸ را با یزیدیان مقایسه می کرد، قریب به اتفاق پرچم های افراشته شده در بین جمعیت، بیرق های حسینی بود و هیأت های حسینی در روز سوم شهادت امام حسین (ع) با نوحه خوانی به معترضین ملحق می شدند و اوج احساس مذهبی زمانی بود که

سخنران مراسم از اهانت فتنه گران به امام (ره)، قرآن و پرچم حضرت سیدالشهدا (ع) خبر دادند؛ در آن صحنه کمتر کسی بود که ضمن سر دادن ناله یا حسین (ع) بر سر و صورت خود نمی زد، و در نهایت مردم تبریز خواستار اعدام سران فتنه بودند (روزنامه ایران ۱۳۸۸/۱۰/۹: ص ۲) و آماجگی خود را برای عزیمت به تهران اعلام می کردند (روز نامه وطن امروز ۱۳۸۸/۱۰/۹: ص ۳). پخش مکرر تصاویر حماسه تبریز که توسط سیمای جمهوری اسلامی اتفاق افتاد تأثیر به سزایی در خروج سراسری ایران می توانست داشته باشد. چنان که امروزه نیز مردم تبریز با افتخار از حماسه هشتم دی تبریز یاد می کنند و همه ساله آن را گرامی می دارند.

نتیجه گیری

ملاحظه زمینه ها برای تحلیل وقایع و رفتارهای سیاسی که مورد توجه اسکینر است اقتضا می کند هر نکته سیاسی در زمینه عملی مربوطه قرار گرفته و سپس با تأیید شواهد تاریخی صحیح بودن آن استنتاج شود. همچنین با توجه به تأثیر اندیشه ها بر کنش های سیاسی که علاوه بر اسکینر مورد توجه اندیشمندان اسلامی نیز قرار گرفته است فعالیت های سیاسی، انقلابی و مبارزات آذربایجان در تاریخ معاصر در چارچوب ایدئولوژی دینی حاکم بر منطقه بررسی شد. شواهد تاریخی تأیید می کنند محرک اصلی آذربایجان و تبریز برای ورود به عرصه های سیاسی و اجتماعی عقاید مذهبی و انگیزه های دینی مردم بوده است و ویژگی اصلی کنش های سیاسی آذربایجان بهره گیری از مؤلفه های قدرتمند مذهبی بوده است به گونه ای که به جرأت می توان مدعی شد در همه حماسه های آذربایجان حضور فعال مراجع تقلید یا فتاوی آنها و ارشادات روحانی های بانفوذ منطقه وجود داشته است، در اغلب تحرکات آذربایجان نقطه شروع حرکت مسجد بوده است، همه کنش های سیاسی تحت الشعاع برخی شعائر مذهبی همچون عزاداری محرم، بیرق های حسینی یا مراسم های سوگواری بوده اند، همه مبارزات آذری ها در چارچوب مبارزه با مفاسد اخلاقی، مبارزه با بهائیت، مبارزه با الحاد و کمونیست یا مبارزه با گسترش سلطه کفار قرار می گیرد.

حال با توجه به این که برخی نظریه های سیاسی و اندیشه اسلامی مبارزات و تلاش های مبتنی بر اعتقادات اصیل را تأثیر گذار و منشأ تحول می داند و تاریخ گواهی می دهد که اگر بر حرکت ها و مقاومت های آذربایجان انگیزه های غیر دینی حاکم بود در همان مقطع زمانی و مکانی محدود می شد و نمی توانست تحولات مهمی در پی داشته باشد دشمنان اسلام و ملت ایران پیوسته تلاش کرده اند در وهله اول وجود گرایش های مذهبی در مجاهدت های تبریز را انکار کرده و آنها را در سطوح پایین تری همانند خواسته های مادی، قومیتی و ... ارزیابی کنند،

در وهله دوم که نتوانسته‌اند چشم خود را به وجود چنین حقیقت ارزشمندی ببندند با پذیرش غیرت دینی مردم ایران به خصوص آذربایجان سعی کرده‌اند از این ظرفیت در راستای خواسته‌های نامشروع خود بهره ببرند؛ چنان که در اغلب فتنه‌هایی که آذربایجان را هدف می‌گیرند از ظرفیت‌های دینی همانند مرجعیت، روحانیت، هیئات حسینی و حجتیه‌گری، ادعای نیابت خاص حضرت مهدی (عج) غفلت نکرده‌اند که البته با هوشیاری و بصیرت مردم دیندار، آگاه و غیور آذربایجان ناکام مانده‌اند و همچنان که مقام معظم رهبری فرمودند تا حالا هر حادثه‌ای از سوی ضدانقلاب در تبریز یا در آذربایجان اتفاق افتاده است خود آذربایجانی‌ها جواب داده‌اند.

تاریخ آذربایجان نشان می‌دهد که قدرت عقاید دینی مردم برای دشمنان معلوم است و همین امر اقتضا می‌کند که مراقبت و آسیب شناسی لازم از غیرت دینی و احساسات مذهبی عموم جامعه به خصوص آذربایجان به عمل آید. بنابراین امروزه با پیچیده شدن مباحث اعتقادی و برنامه‌ریزی دشمنان بر مدیریت عقاید مخاطبان و اعتماد دشمنان به تجارب قبلی خود که همیشه در مقابل عقاید دینی شکست خورده‌اند آنها به جای مقابله با عقاید دینی مردم ضمن این که سعی می‌کنند هویت‌های جایگزین همانند هویت‌های ملی و قومیتی را برجسته‌تر کنند تا هویت دینی مردم را تحت الشعاع قرار دهد به ساخت و گسترش عقاید بدلی و گرایش‌های دینی انحرافی روی آورده‌اند که بزرگترین خطر برای جامعه اسلامی است و این خطر را گوشزد می‌کند که ممکن است غیرت دینی جای خود را به برخی انحرافات و ظاهرسازی‌ها بدهد که نه تنها فرصت برای آذربایجان و جامعه اسلامی به حساب نمی‌آید بلکه ظرفیت تهدید آن را هم دارد.

منابع و مأخذ:

- اباذری، عبدالرحیم (۱۳۸۰)، **خاطرات فقیه اخلاقی آیت الله احمدی میانجی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اسکندری، ایرج (۱۳۷۲) **خاطرات**، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- اصفهانی کربلایی، شیخ حسن (۱۳۸۲)، **تاریخ دخانیه**، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اعتمادالسلطنه (صنیع الدوله، محمدحسن) (۱۳۵۶) **روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه**، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم
- امام خمینی (ره)، سیدروح‌الله (۱۳۸۱)، **صحیفه نور**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- امیرحیزی، اسماعیل (۱۳۵۶)، **قیام آذربایجان و ستارخان**، تبریز، کتابفروشی تهران
- انزایی، احمدحسین (۱۳۹۵)، **مصاحبه شفاهی با دکتر احمدحسین انزایی** از مبارزان دوران انقلاب و فرزند آیت الله انزایی
- بشیری، احمد (۱۳۶۳)، **کتاب آبی**، تهران، نشر نو، چاپ چهارم
- بنایی، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **مصاحبه شفاهی با آیت الله عبدالحمید بنایی** از حاضران در قیام تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶
- پرغو، محمدعلی (۱۳۹۵)، **مصاحبه شفاهی با دکتر محمدعلی پرغو** از مبارزان دوران انقلاب، استاد دانشگاه تبریز و جانباز دفاع مقدس
- حیدری، اصغر (۱۳۸۸)، **حزب خلق مسلمان ایران از ظهور تا سقوط**، تهران، شرکت انتشارات کیهان
- رزمی، ماشاءالله (۲۰۰۰)، **آذربایجان و جنبش طرفداران شریعتمداری**، سوند، استکهلم، تربیون
- شیرخانی، علی (۱۳۷۸)، **حماسه ۲۹ بهمن تبریز**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- طاهرزاده بهزاد، کریم (۱۳۹۰)، **قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران**، تهران، انتشارات اقبال، چاپ سوم
- عافیت، محمد رضا (۱۳۵۲)، **سردار ملی ستارخان**، تبریز، اندیشه
- فووریه، ژوآنس (۱۳۸۵)، **سه سال در دربار ایران**، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نشر علم
- کسروی، احمد (۱۳۸۴)، **الف، تاریخ مشروطه ایران**، تهران، موسسه انتشارات نگاه، چاپ دوم
- کسروی، احمد (۱۳۸۴)، **ب، تاریخ هیجده ساله آذربایجان**، تهران، موسسه انتشارات نگاه
- لمبتون، آن کترین سواين فورد (۱۳۶۳)، **سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام**، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر
- مخبر السلطنه (هدایت، مهدیقلی) (۱۳۶۳)، **خاطرات و خطرات**، تهران، زوار
- مرادی مراغه‌ای، علی (۱۳۸۸)، **از زندان رضاخان تا صدر فرقه دمکرات آذربایجان**، تهران، نشر اوحدی، چاپ چهارم
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، **شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، تهران، زوار، چاپ سوم
- معتمد، خسرو (۱۳۷۵)، **درون ارتش شاه**، نشر البرز
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۱)، **شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا**، تهران، انتشارات بابک
- آرشیو روزنامه کیهان
- آرشیو روزنامه ایران
- آرشیو روزنامه وطن امروز
- آرشیو روزنامه اطلاعات
- گزیده‌هایی از نشریه خلق مسلمان
- سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۰/۲۷
- سایت رجانیوز، ۱۳۹۶/۸/۶
- James Tully (1988), **Meaning and Context: Quentin kinner and His Critics**, NewJersey: Princeton University Press